

واکاوی دیدمان مناسب برای خلق آینده مطلوب؛ نگرشی پراکسولوژیک با نگاهی قرآنی

محمود متوسلی^۱

نفیسه شایان نژاد^۲

چکیده

آن چه در اقتصاد متعارف و مخصوصاً اقتصاد هترودکس وجود دارد تمرکز بر کنش انسانی؛ چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی است. به عنوان مثال در تئوری نئوکلاسیک، رفتار مصرف‌کننده مطابق با توابع مصرفی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و یا دیگر مسائل بر اساس رفتار و کنش انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. محور قرار دادن این کنش، با نگاهی متفاوت و نگرشی ذهن‌گرایانه که با استفاده از مبانی مکتب اتریش و نهادگرایی و در قالب ساختاری پراکسولوژیک، رفتار عاملین، کنشگران یا بازیگران اقتصادی را مورد بازبینی قرار دهد، هدف اصلی این نوشتار است. لذا در صورتی که بخواهیم تغییری در ساختار فعلی کشور و توصیه‌ای سیاستی برای حل معضلات جامعه بشری و بویژه یک کشور و مباحث اقتصادی داشته باشیم، بایستی تلاش کنیم تا کنش‌ها به سمت کنش‌های مولد سوق پیدا کند. با توجه به این که خاستگاه کنش انسانی، ذهن است و ذهن انسانی محدود و از درک بسیاری مسائل عاجز است، نیاز به وحی و آموزه‌های قرآنی به عنوان منبعی ماورای ذهن و عقل ضروری به نظر می‌رسد تا در پرتو آن بتوان الگویی را برای توسعه و پیشرفت کشور منطبق با بنیان‌ها و ارزش‌های فلسفی ارائه داد و با استفاده از ساختاری سامان داده شده و تمرکز بر اذهان نظم یافته ناشی از آن، بستری را برای استقرار این الگو در جامعه فراهم آورد.

کلید واژه‌ها: نهاد، کنش‌های انسانی، کنش‌های اقتصادی مولد، پراکسولوژی، رویکرد اسلامی قرآنی

^۱. استاد دانشگاه تهران. motavaselim@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد دانشگاه علوم اقتصادی تهران، نویسنده مسئول: Nafise.shayan@gmail.com

بحث پیرامون کنش‌های اقتصادی مولد و عملکرد اقتصادی مطلوب جوامع و به طور خاص مباحث توسعه اقتصادی، سال‌هاست که اذهان اندیشمندان اقتصادی و دولت‌مردان را به خود معطوف نموده است. در ایران هم تلاش‌هایی به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی از طریق استقرار اقتصاد اسلامی صورت گرفته است، اما متأسفانه موفقیت‌های لازم را، آن‌طور که انتظار آن می‌رفت، کسب نکرد. لذا اصول علمی و منطق عقلی حکم می‌کند تا تمام مسیر توسعه اقتصادی و نه یک تصویر مقطعی و تک بعدی از آن، مورد ارزیابی قرار گیرد و ریشه‌ها و علل اولیه ورود به مسیر توسعه بازشناخته شود. بی‌شک از جمله عوامل ورود هر کشوری به مسیر توسعه اقتصادی، توجه و رسیدگی به دو بُعد اصلی است؛ یکی بعد ساختارها است، شامل: ساختار فیزیکی، زیربنایی و تولیدی، ساختار تکنولوژیکی، ساختار اجتماعی (رسوم و عادات اجتماعی، میزان ترقی‌خواهی مردم، سطح کیفیت حکومت قانون و غیره)، بعد دیگر نیروی انسانی است که نقش عامل اجرایی یا به عبارتی کنشگر^۱ را برعهده دارد. لذا اگر تعریف توسعه را تغییر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب بدانیم، زمانی نیل به توسعه امکان‌پذیر خواهد بود که این دو بعد ذکر شده هم‌راستا، هماهنگ و سازگار باشند. در غیر این صورت برای رسیدن به اهدافی مشخص در هر زمینه، نیاز است تا در هر یک از این ابعاد یا هر دو، تغییرات و اصلاحاتی انجام پذیرد. بنابراین در جهت نائل شدن به این مهم، هر کشوری دست به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فراوانی می‌زند که در بین آن‌ها می‌توان به اقدامات فرهنگی در راستای تغییر شیوه نگرش و آماده نمودن اذهان افراد برای افزایش سرمایه‌های فیزیکی و منابع انسانی، اشاره نمود. اما شاید مسأله‌ای که بسیاری از سیاست‌گذاران و دولت‌مردان در مسیر توسعه از آن غافلند، در ارتباط با مفهوم "سرمایه انسانی"^۲ است؛ به بیان دیگر هرچند در بسیاری از سیاست‌های اقتصادی توجه به منابع انسانی در جهت دستیابی به توسعه مورد توجه بوده است، ولی اگر دقت شود مشاهده می‌گردد که در این سیاست‌گذاری‌ها، انسان در کنار سایر منابع توسعه به عنوان ابزار توسعه و آن هم در جهت افزایش تولید مورد توجه بوده است. در واقع هدف از افزایش رشد و توسعه را در جهت افزایش تولید می‌دانند و نه تعالی خود انسان. لذا لازم است که پا را از این دید ابزاری محدود، فراتر گذاشته و وجود انسان را مطابق با گفته‌ی آمارتیا سن^۳ (۱۹۹۸: ۷۳۴) به عنوان مهم‌ترین ابزار پیشرفت اجتماعی، بلکه دقیق‌ترین و عمیق‌ترین هدف، بررسی کنیم.

بنابراین آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تقریباً متفاوت از بحث بررسی نقش ساختار، توجه به انسان و تعالی او به عنوان خلیفه‌الله، می‌باشد. در واقع هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش محوری انسان بر مبنای رویکرد نهادی در توسعه اقتصادی است که بیش‌تر در قالب مفهوم پراکسولوژی^۴ که با توجه به آیات قرآنی

¹ Player

² Human Capital

³ Amartya Sen

⁴ Praxeology

استخراج شده، بسط داده می‌شود؛ با این توضیح که اگر ارکان‌های توسعه اقتصادی را رسیدن به نظم در اکثر امور، کارایی سیاست‌ها، مولد نمودن کنش‌ها و عملکرد اقتصادی مطلوب بدانیم، با توجه به این‌که این اهداف، به ویژه مولد نمودن کنش‌ها و عملکرد اقتصادی مناسب، در جامعه از کنش و رفتار افراد اقتصادی تک‌تک افراد جامعه محقق می‌شود، و از آن‌جا که به نظر می‌رسد رفتار، عملکرد و کنش انسان نشأت گرفته از ذهن^۱ آن‌ها بوده و تحت تأثیر ارزش‌ها و باورهایشان^۲ (که به گفته نورث (۲۰۰۴)، اساس تشکیل نهادها است) قرار می‌گیرد، لذا یکی از راه‌های دستیابی به این هدف را می‌توان در گرو توجه به این ارتباط دانست؛ با این سازوکار که با تغییر ذهن افراد، توجه به باورها و ارزش‌های افراد در سیاست‌گذاری‌ها و تغییر باورهای مانع، که از طریق فرایند یادگیری^۳ و آموزش و با استفاده از یافته‌های علوم شناختی امکان‌پذیر است، منجر به تغییر، اصلاح و بهبود عملکرد کنشگر شده، به نحوی که می‌توان اذعان داشت، اگر تغییر در کنشگر در مقیاسی وسیع صورت گیرد، ضرورتاً خود سبب تغییر در ساختارها از طریق شکل‌گیری پارادایم-های^۴ مشترک و یا نهادها شده و مارا به سمت توسعه رهنمون خواهد نمود. در واقع این فرایندی است که در این پژوهش به‌عنوان مسیری برای دستیابی به توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این راستا از یافته‌های اقتصاددانانی نظیر: لودینگ فن میزز^۵، امارتیا سن، داگلاس نورث^۶، کامونز^۷، از یافته‌های اندیشمندان علوم شناختی نظیر هوارد گاردنر^۸ و علمای اسلام هم‌چون آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری و آیات قرآنی بهره خواهیم برد. لازم به ذکر است به دلیل محدودیت صفحات مقاله مذکور، از نظرات اندیشمندان و آیات قرآن کریم، به صورت خلاصه و ارجاع استفاده کرده و تحلیل و تفسیر در مورد آن‌ها را به طرحی گسترده‌تر موکول می‌کنیم.

۲- مروری بر ادبیات و پیشینه موضوع

در این پروژه از مباحث نورث در بحث نهادها، نظرات میسر در مبحث پراکسولوژی و از ادبیات کامونز در روشن‌تر شدن مفهوم نهادها و تأثیر آن‌ها، استفاده اساسی شده است. در قسمت زیر به صورت اجمالی به مباحث هر یک از این اندیشمندان خواهیم پرداخت. هم‌چنین اشاره‌ای به فعالیت‌های مشابه خارجی یا داخلی که در این زمینه انجام گرفته و می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های بعدی باشد، خواهیم کرد.

۲-۱- مطالعات خارجی

کاردن (۲۰۰۷) معتقد است: انگیزه‌های مشوقانه برای تولید در طول زمان منجر به ثروتمندتر شدن جوامع می‌شود.

^۱ Mind

^۲ Beliefs

^۳ Learning

^۴ پارادایم را مجموعه‌ای از مفروضات کلی نظری و قوانین و فنون کاربرد آن‌ها در نظر می‌گیریم که اعضای یک جامعه علمی خاص آن‌را پذیرفته اند (کوهن، ۱۹۶۲).

^۵ Ludwig Von Mises

^۶ Douglass. C. North

^۷ Commons

^۸ Howard Gardner

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

پلاتیو (۱۹۹۴) بر اهمیت اقتصادی هنجارهای اخلاقی و تقویت آن از طریق جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه با حضور منظم در مراسم دینی تأکید می‌کند.

نورث (۱۹۹۴) توجه خود را به مدل‌های ذهنی و شکل‌گیری سیستم باورها و نمود خارجی آن در قالب نهاد معطوف می‌دارد.

آلچیان (۱۹۵۰) با تأکید بر علم اقتصاد اتریشی و بر فرد به عنوان منشاء کنش‌ها، اهمیت هم‌سو ساختن این کنش‌ها را بیان می‌کند.

میسز (۱۹۴۹) به تبیین مفهوم پراکسولوژی به معنای منطق کنش (عمل) انسان پرداخته و به کنش به عنوان ظریف‌ترین ساخته‌های ذهن بشر در قرن جدید، اشاره می‌کند.

کامونز (۱۹۳۴) با به کارگیری واحد مبادله (اجتماع تضاد، وابستگی، نظم) برای تحلیل‌های خود، و در نظر گرفتن کنش‌های جمعی، آن‌را به عنوان جایگاه شایسته‌ای برای حل تعارضات و حفظ نظم در دنیای کمبود و مالکیت خصوصی و تعارض‌های ناشی از آن می‌داند.

۲-۲- مطالعات داخلی

متوسلی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با بررسی آراء وبر و نورث، از تبیین وبر در مورد تأثیر عواملی مانند فرهنگ، ارزش‌ها و باورها بر عملکرد اقتصادی استفاده می‌کند.

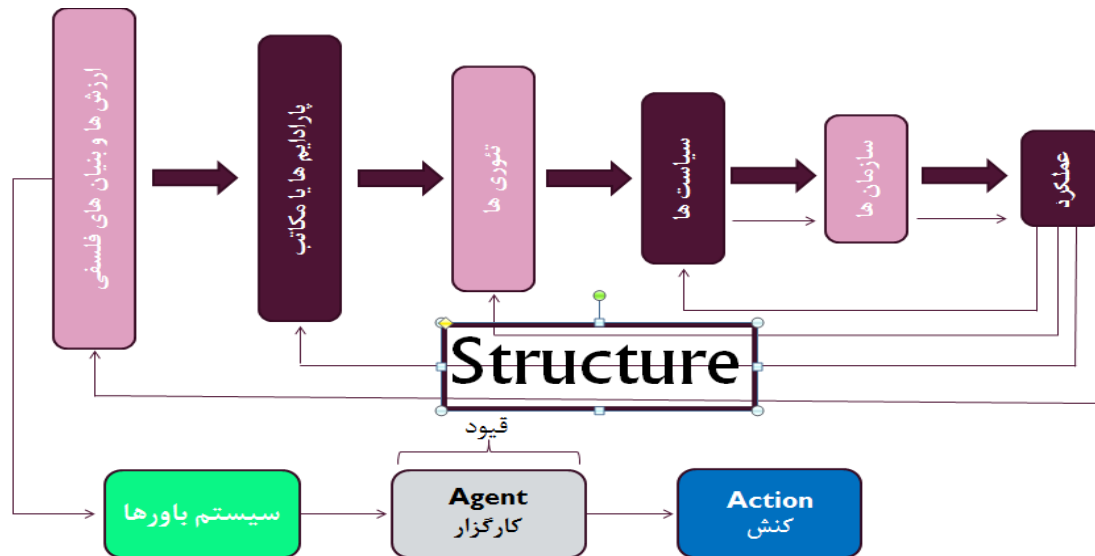
نادری (۱۳۹۲) به ارزیابی محدودیت‌های الگوی اقتصادی متعارف در رابطه با تبیین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌پردازد و طراحی الگوی متفاوتی در قالب الگوی شناختی برای تصمیم‌گیری را ضروری می‌داند.

۳- تبیین الگوی مقاله با الگوی پیشرفت کشور

مطابق با یک نقشه کلی می‌توان ارتباط پژوهش انجام شده با الگوی پیشرفت کشور را به صورت زیر بیان نمود:

اگر هدف توسعه اقتصادی را دستیابی به عملکرد مطلوب اقتصادی از طریق ارائه الگویی بومی برای پیشرفت کشور بدانیم، این عملکرد جز از طریق سازمان‌هایی که مجری سیاست‌های منتج شده از تئوری‌ها است، سامان نمی‌یابد. این تئوری‌ها از پارادایم و یا مکاتبی نشأت گرفته که خود از ارزش‌ها و بنیان‌های فلسفی ناشی می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم به تبیین الگویی ایرانی اسلامی برای توسعه و نیل به پیشرفت بپردازیم، بایستی این الگو را در تمام قسمت‌های نقشه زیر که تحت عنوان ساختاری مرتبط با کنش جمعی از آن یاد کرده، پیاده کنیم و ریشه اجرای چنین الگویی را در ارزش‌ها و بنیان‌های فلسفی جامعه دانسته و سعی در پیاده نمودن آن در تمامی ساختار زیر داشته باشیم، نه این‌که آن را تنها در سیاست‌ها و سازمان‌ها پیاده کرده و انتظار عملکرد مطلوب داشته باشیم. آن‌چه در این پژوهش به طور خاص به آن پرداخته می‌شود، تأثیر سیستم باورها بر شکل‌گیری این ارزش‌ها و بنیان‌های فلسفی است که توسط عاملان یا کارگزاران و با استفاده از قیودی منجر به کنش انسانی می‌شود، کنشی که جان‌مایه و ریزترین واحد تبیین الگویی ایرانی اسلامی است.

شکل شماره ۱- تبیین نقشه راه



۴- ادبیات نظری

برای تبیین سیستم باورها، ابتدا بایستی مفهوم مدل‌های ذهنی ذکر گردد.

۴-۱- مدل‌های ذهنی

تئوری و نظریه مدل‌های ذهنی ایده‌ای جدید در حوزه علوم روانشناسی و مطالعات ذهن نمی‌باشد. در واقع این مفهوم اولین بار در سال ۱۹۴۳ در کتاب "طبیعت توضیح" که توسط کریک^۱ به چاپ رسید، مورد استفاده قرار گرفت. کریک معتقد بود دانش و درک افراد از طریق استفاده از "مدل‌های کار کننده"^۲ پیرامون پدیده‌های خاص در ذهن یک فرد کار می‌کنند.

سنگ^۳ (۱۹۹۰) از چشم‌انداز رفتار و سیستم‌های سازمانی، مدل‌های ذهنی را به صورت: "مفروضات، کلیات و یا حتی تصاویری معرفی می‌نماید که در ذهن عمیقاً ریشه دوانده، و بر نوع ادراک ما از جهان پیرامونی تأثیر می‌گذارند" (سنگ، ۱۹۹۰، ۸).

اما جامع‌ترین تعریف را نورث از مدل‌های ذهنی دارد و معتقد است: افراد برای تفسیر جهان اطرافشان دارای مدل‌هایی ذهنی هستند. بخشی از این مدل‌ها برگرفته از مشتقات فرهنگی^۱ است که با تبادل بین نسلی^۲ دانش،

^۱ Craik, K

^۲ Working Models

^۳ Senge, P.M

ارزش‌ها و هنجارها پدید می‌آید و در بین جوامع و گروه‌های نژادی^۳ مختلف بسیار متفاوت است. بخش دیگری از این مدل‌های ذهنی ناشی از تجربیاتی حاصل می‌شوند که برگرفته از محیطی خاص "محلی"^۴ می‌باشند و بنابراین به میزان تفاوت محیط‌ها متفاوت هستند. از این رو، گوناگونی وسیعی در مدل‌های ذهنی وجود دارد و نتیجتاً ادراکات متفاوتی نیز از جهان و نحوه عمل آن وجود دارد. و حتی آموزش‌های رسمی^۵ که افراد دریافت می‌کنند در بسیاری از اوقات در تضاد با مدل‌هایی است که افراد به وسیله آن‌ها محیط پیرامونی خود را تفسیر می‌کنند. افراد بر اساس مدل‌های ذهنی-شان انتخاب می‌کنند. افراد یاد می‌گیرند و تغییر در مدل‌های ذهنی از ناسازگاری انتظارات و رویدادها نشأت می‌گیرد(نورث، ۲۰۰۰، ۱۸-۱۹).

۴-۲- ارتباط سیستم باورها با نهادها و ضرورت ایجاد نهادها

از دیدگاه نورث، مدل‌های ذهنی از طریق فرایند آزمون و خطا با دریافت پاسخ، به تصحیح مدل‌ها و یا پیشنهاد مدل‌های دیگری اقدام می‌کند. و در نهایت هنگامی که پاسخ‌های محیطی، مدل‌های ذهنی یکسانی را در بیشتر اوقات تأیید می‌نمایند، آن مدل تا اندازه‌ای تثبیت می‌شود. ما این مدل ذهنی تقریباً تبلور یافته را "باور" می‌نامیم و تعامل متقابل باورها (که می‌توانند سازگار یا ناسازگار باشند) را "سیستم باورها" می‌نامیم. سیستم باورها مرتبط با سیستم انگیزشی^۶ است و تقریباً در برابر تغییرات ناگهانی به طور نسبی مقاوم است(نورث و همکاران، ۲۰۰۴، ۷۶).

در کل انسان‌ها تلاش می‌کنند که از ادراکاتشان در مورد جهان برای ساختاربندی محیط بشری، به منظور کاهش نااطمینانی‌ها در تعاملات انسانی استفاده نمایند(نورث، ۲۰۰۵، ۶-۷). همان‌گونه که مشاهده شد این بار نورث از مفهوم نااطمینانی و نحوه برخورد با آن سخن به میان می‌آورد و از این منظر به تبیین مفاهیمی چون نهادها می‌پردازد.

نورث برای اولین بار در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۴ به همراه دنزاوو، با عنوان مدل‌های ذهنی مشترک: ایدئولوژی و نهادها به چاپ رسانید، از مفهوم مدل‌های ذهنی مشترک استفاده نمود. وی در این مقاله مدل‌های ذهنی را به صورت بازنماهایی درونی که ذهن برای تبیین و توصیف دنیای پیرامونی خود مورد استفاده قرار می‌دهد، تعریف می‌نماید (نورث و دنزاوو، ۱۹۹۴، ۲). نورث در این پژوهش می‌نویسد: برخی از انواع مدل‌های ذهنی بین افراد مختلف، مشترک می‌باشند و مدل‌های مشابه، افراد مختلف را قادر می‌سازد تا ارتباطی بهتر را برقرار سازند و یادگیری خود را به اشتراک بگذارند. بر همین اساس هم از ایدئولوژی‌ها و نهادها به عنوان مدل‌های ذهنی مشترک نام می‌برد(همان، ۲).

با توجه به مباحث گفته شده در فوق می‌توان تطور اندیشه‌های نورث را به صورت زیر بیان نمود:

¹ Culturally Derived

² Intergenerational Transfer

³ Ethnic Groups

⁴ Local

⁵ Formal Learning

⁶ Motivational System

شکل شماره ۲- تطور اندیشه‌های نورث



۵- ظهور تئوری عمومی کنش انسانی

اهمیت باورها و استقرار آن در ذهن، باعث شد "اقتصاددانان ذهن گرای مدرن امکان تحول و تکمیل اندیشه ای که اقتصاددانان کلاسیک بنا گذاشته بودند را فراهم کند. به این طریق نظریه قیمتها در بازار^۱ تبدیل به یک نظریه فراگیر انتخاب بشری^۲ شد" (میزز، ۱۹۶۱، ۶). میزز در ادامه در مورد تحولی که این نظریه در اقتصاد به وجود آورد می-گوید: تئوری فراگیر انتخاب و ترجیح^۳ بسیار فراتر از حد مسائلی است که توسط اقتصاددانانی همچون کانتیلون، هیوم و آدام اسمیت تا جان استوارت میل مورد بررسی قرار گرفت (همان). و با توجه به هدف تئوری مذکور بیان می‌کند: این نظریه بسیار فراتر از نظریه ای صرفاً برای بیان کوشش و تلاش بشر برای دستیابی به کالا و افزایش رفاه مادی است. این علمی برای تبیین هر نوع کنش انسانی است. انتخاب، تمام تصمیمات انسان را تعیین میکند. انتخاب انسان‌ها صرفاً در تصمیم‌گیری برای انتخاب بین اشیاء و خدمات مادی نیست. تمام ارزش‌های انسانی جزو انتخاب‌های او هستند. تمام غایت‌ها و تمام ابزارها، همه مادیات و ایده آل‌ها، عرشی‌ها و دون‌مایه‌ها، نجبا و فرومایگان همگی در یک ردیف قرار می-گیرند و در معرض تصمیمی قرار می‌گیرند که یکی را انتخاب و دیگری را کنار می‌گذارد. هیچ چیزی که انسان هدف قرار دهد یا از آن دوری کند خارج از این نظام و در یک رده منحصر بفرد اولویت‌دهی و ترجیح قرار نمی‌گیرد (همان). وی در ادامه در بیان نقش و جایگاه این نظریه معتقد است: نظریه مدرن ارزش، افق علمی را گسترش داده و حوزه مطالعات اقتصادی را بزرگ می‌کند. و در این حالت فراتر از اقتصاد سیاسی مدرسه کلاسیک، تئوری عمومی کنش انسانی یعنی پراکسولوژی^۴ ظهور پیدا می‌کند. اقتصاد یا علم مبادلات^۵ درون یک علم فراگیرتر و عمومی‌تر نهاده می‌شود و دیگر نمی-

^۱ Theory of market prices

^۲ General theory of human choice

^۳ preference

^۴ Praxeology این واژه اولین بار توسط اسپیناس در سال ۱۸۹۰ مورد استفاده قرار گرفت

Spinass Cf. In his article "Les Origines de la technologies," *Revue Philosophique*, XVth year, XXX, 114-

همچنین در کتابی که با همین عنوان در سال ۱۸۹۷ در پاریس منتشر کرد، 115-

^۵ catallactic

تواند از این ارتباط منفصل شود. هیچ بررسی کاملی روی مسائل اقتصادی نمیتواند از شروع با "عمل انتخاب" اجتناب کند. اقتصاد جزئی از یک دانش فراگیرتر یعنی پراکسولوژی می‌گردد و البته دقیق‌ترین جزء آن محسوب می‌شود. بنابراین دیگر کافی نیست که با مسائل اقتصادی در چهارچوب کلاسیک برخورد شود. بلکه لازم است که تئوری مبادلات اقتصادی بر شالوده نظریه کنش انسانی یعنی پراکسولوژی بنا گردد (میزر، ۱۹۴۹، ۹).

۵-۱- ماهیت کنش در علوم انسانی

علم اقتصاد اتریشی نیز به طور ویژه‌ای بر فرد به عنوان منشأ کنش‌ها و تغییرهای انسانی تأکید می‌کند. از دید ایشان هر فرد قادر است تا کنش منحصر به فردی ارائه دهد براین اساس همواره طیفی گسترده از ترجیحات فردی متمایز از هم وجود دارند که به طور لزوم هم راستا نبوده و حتی در برخی مواقع در تضاد یا یکدیگر قرار می‌گیرد و هم سو ساختن این کنش‌ها و خواست‌های متفاوت انسانی مهمترین مسئله اقتصاد محسوب می‌شود (آلچیان ۱۹۵۰). علم کنش انسانی مبتنی بر این فرض است که افراد بشر کنش داشته باشند، آنان برای پیگیری اهداف خود از وسیله و روشی استفاده می‌کنند. کل زندگی انسانی را می‌توان به عنوان مظهري از این اصل دانست و از این اصل بدیهی می‌توان کل نظریه اقتصادی را استنتاج نمود.

کنش عبارت است از انتخاب یک بدیل به جای دیگری، مبادله حالتی کم‌تر مطلوب با حالتی که انتظار داریم مطلوب‌تر باشد. این معنای "کنش"^۱ است. میزر معتقد است: کنش انسانی رفتاری هدفمند است. همچنین میتوان گفت که کنش اراده‌ای است که بعمل درآمده و تبدیل به یک عامل شده است؛ هدف‌گیری به سمت غایت‌ها و اهداف است، پاسخ معنی‌دار نفس^۲ به تحریک و شرایط محیطی است و یا تطابق هوشمندانه با وضعیت جهانی است که زندگی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد (میزر، ۱۹۴۹، ۱۱).

خاستگاه کنش انسانی ذهن است. علم اقتصاد اتریش به نقش ذهن انسان در تحقق کنش و ایجاد تغییرها می‌پردازد. کنش‌های انسانی در انتخاب‌ها، بر پایه مقیاس‌ها ارزشی افراد انجام می‌گیرند در این ارزش‌ها از ذهن افراد منتج می‌شوند. بنابراین افراد مجموعه ارزش‌هایی خلق می‌کنند و بر اساس آن‌ها تصمیم می‌گیرند که البته به طور کلی منحصر به فرد هستند. به همین دلیل کنش‌های انسانی افراد متفاوت است چرا که از ارزش‌های ذهنی متمایزی نشأت می‌گیرد. تصمیم‌گیرنده اقتصادی نیز بر پایه همین ارزش‌های ذهنی دست به انتخاب می‌زند پس این ارزش‌های ذهنی است که ارزش اقتصادی را ایجاد می‌کند و لحاظ کردن معیارهای دیگر برای ارزش که از صفات ذاتی کالا یا نهاده‌های تولید به کار رفته در آن منتج می‌شود، ممکن نیست (کرزنر، ۲۰۰۸، ۱۴۸-۱۴۷)

^۱Action

^۲ego

از مجموع گفته‌های فوق می‌توان به اهمیت تفکر ذهن‌گرایانه در اندیشه‌های متفکران علم اقتصاد اتریشی پی‌برد. در واقع در این مکتب نه تنها ارزش‌ها بلکه طرح‌ها، انتظارات و دریافت‌های افراد از واقعیت هم ذهنی است. کنش‌های افراد هم نه تنها از فردی به فرد دیگر تغییر می‌کند، بلکه کنش‌های یک فرد نیز در طول زمان تغییر می‌کند. افراد در هر لحظه از زمان بر اساس آخرین خواسته خود تصمیم می‌گیرند و ابزارهایی را جهت رسیدن به آن هدف برمی‌گزینند و در نهایت برای دستیابی به آن دست به عمل می‌زنند. نا اطمینانی ناشی از کنش‌های متفاوت افراد باعث می‌شود تا همه به خواست‌های واقعی خود نرسند. و حتی گاهی کنش فرد برای رسیدن به هدف توسط عمل دیگری متوقف شود. بنابراین می‌توان از نتیجه واقعی عمل تا قبل از تحقق آن اطمینان داشت. به علاوه چون سود و زیان نیز ماهیتی ذهنی دارد و غیر قابل اندازه‌گیری است داوری در مورد کارایی یا ناکارآمدی کنش، به نظر افراد مرتبط می‌شود. طی فرآیند تصمیم‌گیری برای عمل است که افراد می‌آموزند بهترین کنشی که می‌توانند انجام دهند، کدام است. حتی در صورت دستیابی به هدف نهایی نیز، عملی که در لحظه بهترین است به طور لزوم و در تجربه مجدد بهترین نخواهد بود. در واقع کسب دانش‌های جدید فرد را قادر می‌سازد تا طیف وسیعی از تغییرها را در طرح‌ها و برنامه‌های خود متصور شود (کرزنر ۲۰۰۰، ۵۱ - ۴۱).

دلایل تغییر ترجیحات افراد و ثابت نبودن ارزش‌های ذهنی آنان را می‌توان در موارد زیر به طور خلاصه بیان نمود:

- (۱) عدم اطمینان^۱
- (۲) ریسک^۲
- (۳) حالتی که در حال حاضر وجود ندارد^۳

دلایل گفته شده در فوق باعث می‌شود که ارزش‌گذاری‌های ذهنی افراد در طول زمان و به تبع آن ذهن آن‌ها دچار تغییر شود. تمام مکاتب موجود این سه دلیل را به نحوی برای خود حل کرده‌اند به عنوان مثال کلاسیک‌ها از عدم اطمینانی که بر اقتصاد سایه افکنده صرف‌نظر کرده‌اند و یا برای توجیه ریسک به تئوری‌هایی متوسل شده‌اند. اما آن‌چه تمامی مکاتب از بیان آن قصور ورزیده‌اند، حالتی است که در حال حاضر وجود ندارد یا به اصطلاح nonexistence است. یعنی برای هیچ مکتب و هیچ فردی مشخص نیست که در آینده چه چیز اتفاق می‌افتد و هیچ مکتب یا گروهی توانایی پیش‌بینی آن را ندارند. این موارد تعریف نشده‌اند و صرفاً ساخته ذهن انسان هستند. از طرفی آن‌چه که باعث می‌شود فرد با وجود عدم اطمینان وارد فعالیت شود و یا به فعالیتش ادامه دهد، سیستم باورها است. این‌جا است که اهمیت شناخت ذهن بیش از پیش روشن می‌شود، زیرا که بدون شناخت ذهن و منابع آن نمی‌توان به درک این مهم فائق آمد.

¹ Uncertainty

² Risk

³ Nonexistence

۵-۲- تسهیل کنش با استفاده از محدودیت‌های درونی و بیرونی

آیا با وجود عدم اطلاعات کامل و محدود بودن ظرفیت ذهنی بشر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، افراد می‌توانند بر اساس مدل ذهنی خود اقدام کنند؟ و یا این اقدام الزاماً متضمن سعادت و فلاح فرد می‌شود؟ آیا افراد باز هم می‌توانند به نحو شایسته اقدام به تعاملات انسانی نمایند؟

پاسخ این سؤالات را با توجه به نظرات کامونز ارائه می‌دهیم. وی معتقد است: با وجود عدم اطلاعات کامل و محدود بودن ظرفیت ذهنی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، افراد قیودی در تعاملات انسانی وضع می‌کنند تا از این طریق بتوانند به تبادل بپردازند. هیچ تضمینی هم وجود ندارد که این محدودیت‌ها الزاماً کارآ باشند. در همه جوامع انسانی، تمایلات فردی با قیودی معین محدود می‌شوند. این محدودیت‌ها هنجارهای غیررسمی^۱ و قوانین رسمی^۲ هستند که بیان‌گر شیوه‌های پذیرفته شده رفتار افراد با یکدیگرند.

در واقع کامونز مدعی بود که اقتصاد نهادگرایی وی موجب یک جابجایی در علم اقتصاد شده است، زیرا بنیان‌های نظری وی به جای رابطه بشر^۳ با طبیعت^۴ بر رابطه بشر با بشر استوار هستند. او در مورد دستاورد جدید خود می‌گوید: "واحدی که برای تحلیل به کار بردم، مبادله است، زیرا که به دنبال واحدی بودم تا بتواند هر سه [مفاهیم] تضاد^۵، وابستگی^۶ و نظم^۷ را با هم به کار ببرم و بعد از سال‌ها متوجه شدم که می‌توانم آن‌ها را در فرمول مبادله بیان نمایم (کامونز، ۱۸۹۸، ۴)". در این تعاملات چون افراد مدل‌های ذهنی متفاوتی دارند و بر مبنای این مدل‌ها است که اقدام به کنش یا تصمیم‌گیری می‌کنند، بین افراد تضاد نمایان می‌شود. حتی ممکن است بین اهداف فردی با اهداف جمعی یا ملی تضاد حاصل شود. حال کنترل این کنش جایگاه شایسته‌ای برای حل تعارضات و حفظ نظم در دنیای کمبود و مالکیت خصوصی و تعارض‌های ناشی از آن است. به دلیل همین گستردگی، از منظر اقتصاد اتریشی مهم‌ترین مسئله اقتصادی یک جامعه سازگار ساختن کنش‌های مختلف است چرا که هر کدام بخشی از شناخت را در اختیار دارند.

لذا آن‌چه در تعاملات مشهود است، تضادها است و آن‌چه مطلوب است و بایستی به آن رسید، نظم است کامونز از تضاد منافع^۸ نظم را استخراج می‌کند و می‌گوید: "افراد تصمیمات خود را بر پایه مدل‌های ذهنی‌شان می‌گیرند و این مدل‌های ذهنی با نتایج متناقضی که نسبت به انتظارات فرد حاصل می‌گردد تعدیل می‌شوند. نکته‌ای که در این‌جا حائز

¹ Defacto

² Dejure

³ Human

⁴ Nature

⁵ Conflicts

⁶ Dependence

⁷ Order

⁸ Conflicts of Interest

اهمیت است ایجاد هارمونی جدید^۱ در تضادها است که منجر به نظم می‌شود. مهم‌ترین عامل مؤثر بر روی این پیش-انگاری جمعی، اخلاق است که بایستی در عمل رویه شود و در تکمیل و تکامل و یا حتی در ورای قانون و مقررات^۲ عمل کند. در صورتی که فرد خودش را از لحاظ اخلاقی کنترل کند، این تضادها به حداقل ممکن می‌رسد و وجود رفتارهای اخلاقی مانند یک داروی پیش‌درمان و پیشگیری کننده برای افراد در جهت ایجاد هارمونی به کار می‌رود که در نتیجه آن کنش‌های انسانی به سمت کنش‌های مولد^۳ سوق پیدا می‌کند.

۶- نظم‌بخشی از طریق تغییر ذهن

آن‌چه که تلویحاً از نظرات کامونز درباره هنجارهای اخلاقی برداشت می‌شود نوعی نظم‌بخشی ذهنی است. در این فرایند که از پیشرفت‌های امروزه در باب ذهن است، ذهن افراد جهت دیگری به خود می‌گیرد. نورث علی‌الرغم اهمیت دادن به ذهن و مدل‌های ذهنی و بیان تأثیرات محیطی بر روی ذهن هرگز اشاره‌ای به این مهم نکرده است که می‌توان بر حسب نیاز مدل‌های ذهنی مشخصی را طراحی و با شیوه‌ای مشخص سعی در القای آن در ذهن افراد داشت. البته این گفته به این معنای القای دستوری و یا اجباری یک مدل ذهنی نمی‌باشد، بلکه این فرایند بر اساس طراحی‌های محیطی مشخص و تحت نظارت یک خبره و به صورت غیر مستقیم صورت می‌پذیرد. و همانگونه که نورث نیز معتقد است: هرچند سیاست‌های دیکتاتورمآبانه و دستوری می‌توانند برای مدت کوتاهی نتایجی را به همراه داشته باشند، اما هرگز به یک حرکت پایدار منجر نخواهند شد (نورث، ۲۰۰۰، ۲۳). لذا رویکردی که ممکن است وجود داشته باشد استفاده هوشمندانه از عناصر مفید و تلاش برای تغییر عناصر فرهنگی مانع، از طریق ایجاد اذهان مولد است و در این صورت است که داده‌های متفاوت به ذهن منجر به ستانده‌های متمایز از یکدیگر می‌شود. اگر ورودی ذهن، سود و منفعت شخصی باشد خروجی آن چیزی جز هدونیزم^۴ نمی‌تواند باشد. اگر ورودی ذهن حاصل جهان‌بینی بالاتر یا تلئوی برتر باشد متقابلاً آن‌چه به عنوان ثمره از ذهن خارج می‌شود در رده‌ای بالاتر نسبت به اهداف هدونیزم است. فرایندی که در مورد ذهن در فوق گفته شد در تمامی مکاتب در همه زمان‌ها و دوره‌های تاریخی به صورت ناخودآگاه استفاده شده و می‌شود. هر کدام از مکاتب و بالاخص مکاتب اقتصادی نظیر مارکسیسم، کینزین‌ها، مکتب اتریش و یا نهادگرایان منطبق بر مدل‌های ذهنی خود به پیش می‌رفتند.

گاردنر معتقد است که ما همیشه درباره تغییر ذهن‌ها صحبت می‌کنیم و معنای این استعاره‌ی بسیار متداول به اندازه کافی روشن به نظر می‌رسد. بدین معنا که نظم ذهنی ما در جهت خاصی است، عملیاتی انجام می‌گیرد و در نتیجه ذهن‌مان جهت دیگری می‌گیرد. اگر چه ممکن است در نگاهی سطحی این سخن روشن به نظر برسد، پدیده

¹ Creating a New Harmony

² Cort Order

³ Productive Action

⁴ Hedonism

تغییر ذهن در مجموعه تجربیات آشنای بشر از جمله مواردی است که کم‌ترین بررسی در مورد آن صورت گرفته و کم‌ترین شناخت درباره آن وجود دارد (گاردنر، ۱۳۸۸، ۱۵).

مسئله‌ای که در این پژوهش بیشتر مورد توجه ما است این است که آن‌چه گاردنر در رابطه با تغییر ذهن بیان می‌نماید، در نهایت مستلزم تغییر رفتار است. تغییراتی که در درون ذهن اتفاق می‌افتد، ممکن است از نظر علمی مورد توجه باشد اما اگر به تغییرات رفتاری در حال یا آینده منجر نشود، مفید نخواهد بود. به عبارتی اگر تغییراتی که در درون ذهن اندیشمندان رخ می‌دهد منجر به تغییر رفتار جمعی جوامع نشود برای آن جوامع سودی به همراه نخواهد داشت.

این‌که گاردنر صرفاً به جای بحث از رفتار از ذهن صحبت به میان می‌آورد به این علت است که وی معتقد است یکی از کلیدهای تغییر ذهن، تولید یا تغییر در بازنمایی‌های ذهنی افراد – روش خاصی که فرد از طریق آن اطلاعات را دریافت، رمزگردانی و نگهداری می‌کند و به آن دسترسی می‌یابد – می‌باشد.

بر اساس تعریف وی، تقریباً رهبران افرادی هستند که ذهن‌ها را تغییر می‌دهند؛ چه رهبران یک کشور باشند، چه یک شرکت تجاری و یا مؤسسه‌ای غیر انتفاعی. بنابراین به‌جای این‌که پدیده تغییر ذهن را امری بدیهی بدانیم، می‌توان از درک بهتر معماهای شگفت‌انگیز و متعدد آن – که دقیقاً وقتی رخ می‌دهد که ذهن از حالتی به ظاهر بغرنج به دیدگاهی شدیداً متفاوت تغییر می‌کند – سود ببریم (همان منبع).

عوامل بسیار زیادی می‌تواند منجر به تغییر ذهن شود، اما آن‌چه که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود اهرم‌های هفت‌گانه‌ای است که نقش اساسی در یادگیری و ایجاد تغییر ذهن بازی می‌کنند و گاردنر به آن پرداخته و عبارتند از:

دلیل و منطق^۱، تحقیق^۲، طنین ذهنی^۳، بازتوصیف^۴، پاداش و منابع^۵، رویدادهای جهان واقعی^۶ و غلبه بر مقاومت‌ها^۷

گاردنر توجه ویژه‌ای به پرورش اذهان – که در نتیجه تغییر ذهن است – برای آینده دارد. بر این اساس به بیان پنج نوع ذهنی که در آینده مورد نیاز است، می‌پردازد:

ذهن منضبط^۱، ذهن تلفیقی (ترکیبی)^۲، ذهن خلاق^۳، ذهن آمیخته به احترام^۴ و ذهن اخلاق مدار^۵

¹ Reason

² Research

³ Resonance

⁴ Redescription

⁵ Rewards and Resources

⁶ Real World Events

⁷ Resistances Overcome

وی دو ذهن آمیخته به احترام و اخلاق مدار را مربوط به حوزه انسانی^۱ می‌داند و آن را در ارتباط با بشر و انسان می‌داند. او در نهایت، هدف کار خویش را ایجاد و خلق ذهن‌های اخلاق‌مدار به منظور ایجاد جهانی می‌داند که زندگی کردن را تسهیل بخشد و عنوان می‌نماید: من توصیف معاصری که توسط فیلسوف آمریکایی جان رالز^۲ بیان شده را ترجیح می‌دهم. او اعتقاد داشت که ما باید تلاش کنیم تا جامعه‌ای را خلق کنیم که در آن بخواهیم زندگی کنیم، حتی اگر نمی‌دانستیم که دست سرنوشت چه برای ما خواهد داشت (همان). وی خلق چنین جامعه‌ای را بستری مفید برای زندگی کردن همه مردم می‌داند و نه آنان که صرفاً دارای منابع مالی فراوان (که هدف خدمت اقتصاد متعارف است) هستند.

با دقت بیشتر در آثار گاردنر می‌توان به این مهم پی برد که جان‌مایه نظریه او ایجاد ذهن‌های خلاق است و می‌گوید: "باید آموزش و اخلاقیات را به یکدیگر گره زد" توجه بی‌بدیل او به اخلاقیات در کنار آموزش و پرورش سبب شده که نظریه او به شدت مورد استفاده معلمان قرار گیرد. در واقع شاید بتوان گفت آن‌چه که به عنوان عنصری نامحسوس در آثار گاردنر ردپایی از خود برجا دارد، و به تعبیر خود او دلیلی برای جستجو در مورد مزیت‌های داشتن ذهن اخلاق‌مدار و آمیخته با احترام است، توجه به اخلاقیات هم‌پای دانش است چرا که خود گاردنر بیان می‌نماید: ما ممکن است علیرغم دانایی و آگاهی کامل هم‌چنان زیان‌آور و ویران‌گر باشیم، اگر از دانش که کسب کرده‌ایم برای اهداف خوب^۳ استفاده نکنیم. مشکل روبروی ما در این جهان جمع‌کردن و کسب دانش بیشتر نیست بلکه ما در این کار بسیار توانا هستیم. چالش و مشکل ما بسیج‌کردن^۴ دانشمان در خدمت اهدافی است که قابل توجیه برای خودمان و دیگران است، پایبندی به اصول اخلاقی است حتی زمانی که در تضاد با منافع شخصی ماست (گاردنر، ۲۰۰۵، ص ۲۸). آن‌چه بستر این اصول اخلاقی است ایدئولوژی است.

۷- ایدئولوژی در ساختار پراکسولوژی

واندنبرگ^۵ معتقد است، ایدئولوژی‌های سامان‌مند دیدگاهی ذهنی را درباره نحوه عملکرد جهان در اختیار می‌نهند که تصمیم‌گیری در وضعیت‌های پیچیده‌تر و ناپایدارتر را امکان‌پذیر می‌سازند... گرچه ممکن است افراد رفتار خود را در درون مدل ذهنی معینی که در معرض محدودیت اطلاعاتی است عقلانی جلوه دهند، مدل‌هایی که آنان به کار می‌برند

¹ The Disciplined Mind

² The Synthesizing Mind

³ The Creative Mind

⁴ The Respectful Mind

⁵ The Ethical Mind

⁶ Human Sphere

⁷ John Rawls

⁸ Good Ends

⁹ Mobilize

¹⁰ Vandenberg

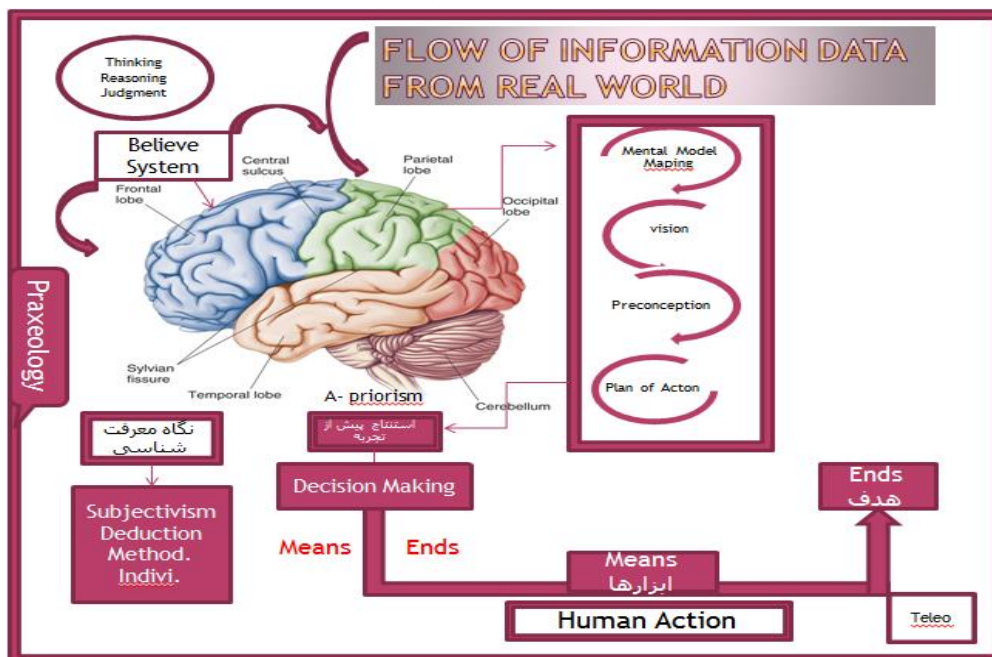
چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

چنان ذهنی‌اند که به سختی می‌توان بر مبنای آن‌ها رفتار عقلانی را تعریف کرد (واندنبرگ، ۲۰۰۲: ۲۳۳). و به نقل از نورث بیان می‌کند: رفتار انسان، از جمله پایبندی به نهادها تحت تأثیر درکی از جهان است که در ایدئولوژی‌ها یا «مدل‌های ذهنی» جلوه‌گر می‌شود (نورث، ۱۹۸۱، فصل ۵؛ ۱۹۹۵: ۱۸). ایدئولوژی در دنیای عدم اطمینان، به مثابه راهنمای رفتار عمل می‌کند؛ بدین نحو که این امکان را برای مردم فراهم می‌آورد که بر مبنای میزان اطلاعاتی که باید برای تصمیم‌سازی و اقدام به کنش داشته باشند، صرفه‌جویی کنند (نورث، ۱۹۸۴: ۳۵). در اوایل دهه ۱۹۸۰ نورث این نظر را مطرح کرد که ایدئولوژی دو کار را با هم می‌کند: الف) به افراد امکان می‌دهد که بر محدودیت‌های شناختی فایق آیند، و ب) به آنان کمک می‌کند تا درست بودن کار را تشخیص دهند. نورث با این مفروض که نئوکلاسیک که افراد همیشه با انگیزه نفع شخصی دست به عمل می‌زنند، مخالف است. از نظر وی: در مواردی از قبیل اهدای خون، رأی دادن یا حمایت از گروه‌های ذی‌نفوذ که مستلزم دیگرخواهی یا عمل بر طبق ضوابط اخلاقی است، بیشینه‌سازی رفاه فردی، توانایی تفسیر این رفتارها را ندارد. در هر یک از این موارد، بهتر است از ملاحظه هزینه‌های فردی عمل (زمان، انرژی و پول) و بهره‌برداری رایگان از تلاش‌های دیگران صرف‌نظر کنیم. این مطلب حتی در مواردی نیز صدق می‌کند که فرد مایل باشد متناسب با اهدای خون، رأی دادن به حزبی خاص و ... کاری انجام دهد (نورث، ۱۹۸۱: ۱۰، ۴۶).

لذا می‌توان گفت، آن‌چه که بر کل ساختار پراکسولوژی سایه افکنده و در تک‌تک بخش‌های این ساختار به عنوان عنصری اساسی نمایان است، ایدئولوژی است. ایدئولوژی علاوه بر این که به صورت مستقیم تحت عنوان باورهای مذهبی بر محیط اجتماعی اقتصادی اثر می‌گذارد، در سایر قسمت‌ها نیز تأثیر غیر مستقیم دارد. ایدئولوژی در استقرار باورهای ذهنی در ذهن و به تبع آن در سیستم باورها نقش اساسی دارد. تصمیم‌گیری افراد را مخصوصاً در شرایط عدم اطمینان، ریسک و حالتی که در حال حاضر وجود ندارد، تسهیل می‌بخشد. هم‌چنین کنش انسانی، ابزار و هدف را نیز تحت تأثیر قرار داده و باعث می‌شود که هدف افراد دارای غایت‌مندی بالاتری باشد و ضمن دستیابی به اهداف دنیوی متضمن اهداف اخروی نیز می‌باشد. در واقع با استفاده از ایدئولوژی می‌توان نقشه راهی را برای رسیدن به اهداف والاتر ترسیم نمود.

بر مبنای مفاهیم ذکر شده به ارائه مدل پراکسولوژی پرداخته و مدل زیر را به عنوان مدلی جامع برای کنش‌های انسانی بیان می‌کنیم:

مدل شماره ۱- مدل پراکسولوژی



۸- ضرورت و نیاز به ایدئولوژی

شهید مطهری در کتاب انسان و ایمان در توجیه ضرورت ایدئولوژی و نیاز بیش از پیش آن، بحث خود را با محیط اجتماعی که افراد در آن زندگی کرده و از آن به عنوان بستری برای فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند، شروع می‌کند و می‌گوید: انسان موجودی اجتماعی است. زندگی اجتماعی او هزاران مسأله و مشکل برایش به وجود می‌آورد که باید همه آن‌ها را حل کند. و چون موجودی اجتماعی است، سعادتش، آرمان‌هایش، ملاک‌های خیر و شرش، راه و روشش، انتخاب وسیله‌اش، با سعادت‌ها، آرمان‌ها، ملاک‌های خیر و شرها و راه و روش‌ها و انتخاب وسیله‌های دیگران آمیخته است، نمی‌تواند راه خود را مستقل از دیگران برگزیند، سعادت خود را باید در شاهراهی جست‌وجو نماید، که جامعه را به سعادت و کمال برساند. و اگر مسأله حیات ابدی و جاودانگی روح، و تجربه نداشتن عقل نسبت به نشئه مابعد نشئه دنیا را در نظر بگیریم، مسأله بسی مشکل‌تر می‌شود. این‌جا است که نیاز به یک مکتب و ایدئولوژی، ضرورت خود را می‌نمایاند، یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است، و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نبایدها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد (شهید مطهری، ۱۳۷۹، ۵۴). وی اسلام را به لحاظ توجه ویژه به نیازهای اساسی انسان مخصوصاً آن دسته از نیازها که در مسیر رسیدن به کمال وجودی او ضروری می‌باشد، کامل‌ترین ایدئولوژی دانسته و بیان می‌کند: انسان از بدو پیدایش، لاقلاً از دوره‌ای که رشد و توسعه زندگی اجتماعی منجر به یک سلسله اختلافات شده است، نیازمند به

چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایدئولوژی - و به اصطلاح قرآن " شریعت" - بوده است. لذا آن چه که مبانی اسلام بر اساس آن شکل گرفته، همانا فطرت آدمی است.

در صورتی که ثمرات ایدئولوژی الهی در ساختاری پراکسولوژی را بیان کنیم می‌توانیم به صورت خلاصه به موارد زیر اشاره کنیم:

- ۱- نفوذ سنت‌های دینی از طریق دو اصل سرایت و اصل وراثت (منطبق با آیه ۱۱ سوره رعد)^۱
- ۲- ملکه شدن فضائل و کمالات در فطرت و ذهن افراد به صورت صفات نفسانی (منطبق با آیه ۸۴ سوره اسراء)^۲
- ۳- انتقال اخلاق فاضله نسل به نسل و رواج علاقه به آن و عشق به عدالت و صلاح در بشر در بین جوامع (مطابق با آیه ۲۸ سوره رعد)^۳
- ۴- آراسته شدن فطرت افراد به زیورهای پسندیده (مطابق با آیه ۳۰ سوره روم)^۴
- ۵- شکل‌گیری سیستم باورهای افراد بر مبنای ایمان به خداوند (مطابق با آیه ۱۱ سوره مجادله)^۵
- ۶- در نظر گرفتن رضای خدا علاوه بر نفع شخصی در تصمیمات افراد (مطابق با آیه ۷۲ سوره توبه)^۶
- ۷- تبدیل عمل افراد به عمل صالح (مطابق با آیه ۷۰ سوره فرقان)^۷
- ۸- استفاده از ابزارهای منطبق با حلال و حرام الهی در راستای رسیدن به هدف عمل (مطابق با آیه ۱۱۶ سوره نحل)^۸

^۱ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد، ۱۱)

^۲ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا (اسراء، ۸۴)

^۳ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد، ۲۸)

^۴ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم، ۳۰)

^۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَ إِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (مجادله، ۱۱)

^۶ ... وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه، ۷۲)

^۷ إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (فرقان، ۷۰)

^۸ وَ لَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (نحل، ۱۱۶)

۹- اما آن‌چه که در کل این ساختار نقش بسیار مهمی دارد و هم‌چون روحی در تمامی ساختار پراکسولوژی تبلور یافته، وجود حسن نیت در عمل است (مطابق با آیه ۲۲۵ سوره بقره^۱) که در پرتو آن می‌توان به حیات طیبه^۲ رسید. در چنین حالتی، حسنات ناپاکی‌ها را از بین می‌برد و فعل فرد جز حسنه نمی‌شود.^۳

آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که به صراحت می‌توان ساختار فوق را از آن برداشت نمود در خصوص واژه عمل که آن را کلید واژه‌ای متناظر با واژه کنش در پژوهش در نظر گرفتیم آیات بسیار زیادی وجود دارد. ولی با توجه به محدودیت این نوشتار، تنها به ذکر آیات فوق بسنده می‌کنیم.

حال می‌توانیم به ارائه مدلی پراکسولوژی از منظر اسلام (قرآن) بپردازیم. در چنین مدلی، دین در مرحله‌ای بالاتر از مدل پراکسولوژی گفته شده در قبل، بر کل ساختار سایه افکنده و باعث می‌شود فرد در پرتو آموزه‌های دینی عمل نماید. چنین فردی مطابق با آموزه‌های دینی، تنها به منافع شخصی و دنیوی نمی‌اندیشد بلکه تمامی کنش‌ها و افعالش در جهت رضای خداوند می‌شود. لذا فرد این دنیا را مزرعه‌ای برای آخرت خود^۴ می‌بیند، ضمن این‌که به فعالیت‌های مادی و اقتصادی خود می‌پردازد. چنین تفکری مدل پراکسولوژی را در کل ابزاری برای خیر بالاتر می‌داند که همانا رسیدن به هدف نهایی خلقت انسان، یعنی مقام خلیفه الهی است. دستیابی به چنین درکی سبب می‌شود فرد، خدا را بر تک تک قسمت‌های ساختار پراکسولوژی ناظر بداند و مفهوم *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ*^۵ را وجدان نماید. ثمره این بینش را می‌توان در جهان‌بینی افراد تلقی کرد که باعث می‌شود افراد را در سطوح مختلف انسانیت قرار دهد؛ علامه طباطبایی در کتاب "طریق عرفان" افراد را در مواجهه با زندگی این دنیا سه گروه می‌داند: گروهی مردمی عادی، گروهی زاهدان و عابدان و گروهی عارفان و مشتاقان (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۱۰-۱۱۲)

^۱ لَا يُؤْخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ خَلِيمٌ (بقره، ۲۲۵)

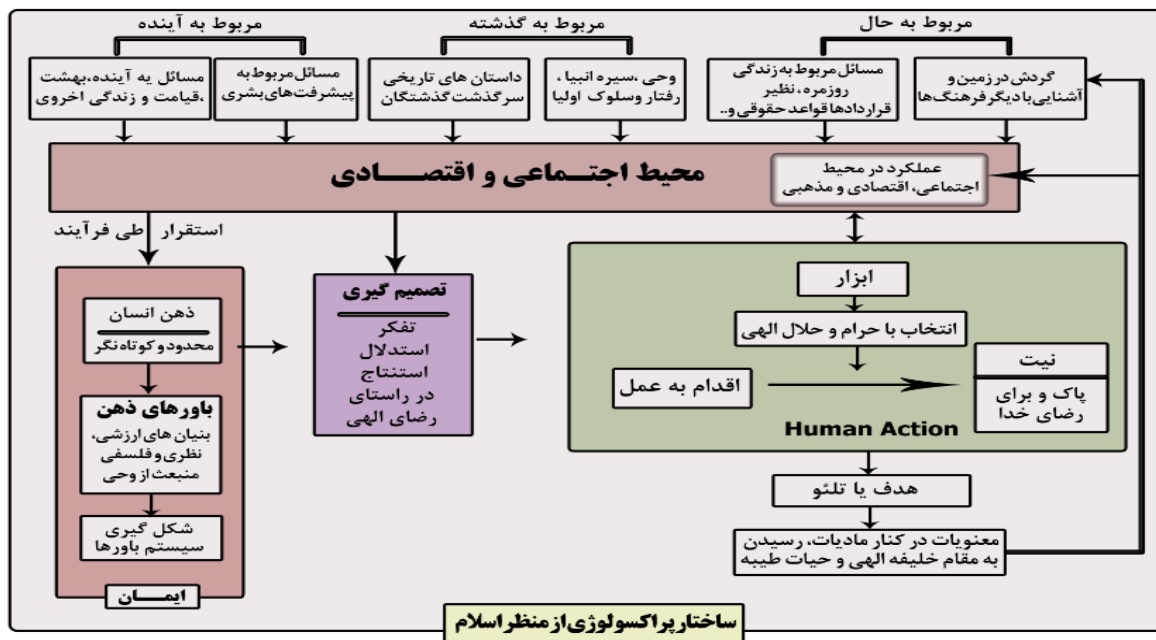
^۲ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۲ (نحل، ۹۷)

^۳ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (هود، ۱۱۴)

^۴ الدنيا مزرعه الاخره؛ فرهنگ قرآن، ج ۱، ص، ۱۵۹.

^۵ خدا نور آسمانها و زمین است (نور، ۳۵).

مدل شماره ۲- مدل پراکسولوژی از منظر قرآن



۹- تبلور ساختار پراکسولوژی بیان شده در قالب اقتصاد

مباحثی مانند ضرورت غایت‌مندی، ذات‌گرایی، ترکیب انسان از نفس و بدن، اصل فطرت، و چگونگی جمع‌علیت و اختیار [که در ساختار پراکسولوژی از منظر قرآن بیان نمودیم] همگی از مبادی فلسفی می‌باشند که پذیرفتن یا نپذیرفتن آن، سرنوشت علومی را رقم می‌زند که به نحوی به موضوع انسان پرداخته‌اند. علم اقتصاد نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ چرا که هدف این علم، بررسی و مطالعه روابط اقتصادی در میان انسان‌هاست و عالم اقتصادی سعی می‌کند این روابط را شناسایی کرده، علل وقوع پدیده‌های اقتصادی را شرح دهد (عیوضلو، ۱۳۸۲، ۶). در زیر به بیان برخی از مبانی اساسی در اقتصاد می‌پردازیم که در نتیجه تبلور چنین معرفتی در اقتصاد، مفهوم این مبانی را دستخوش تغییر می‌کند. هدف انسان، نیازهای انسانی، عقلانیت در دیدگاه اسلامی، اهداف اقتصادی، تعیین محدودیت‌ها و حوزه فعالیت بازار، ابزارهای تحلیل اقتصادی، نظام انگیزشی کارگزاران اقتصادی.

۱۰- جمع‌بندی

هدف پژوهش: نظم، تغییر ذهن به سمت اذهان خلاق، آمیخته به احترام و اخلاق‌مدار، پیوند آموزش با اخلاقیات، کنش‌های اقتصادی مولد، عملکرد مطلوب و ارائه الگویی ایرانی اسلامی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی است.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

متغیر هدف در پژوهش: ذهن انسان است.

ابزار رسیدن به هدف در پژوهش: علوم شناختی، نهادها، ایدئولوژی، وحی و ایمان مذهبی است.

راهکارها و توصیه‌های سیاستی:

اصلاح و بهبود مدل‌های ذهنی یا مدل‌های ذهنی مشترک (سیستم باورها) در جامعه به واسطه یادگیری و آموزش

سازگاری و هماهنگی سیاست‌ها با باورها و ارزش‌های موجود در جامعه

پیوند آموزش و اخلاقیات با یک‌دیگر و توجه به اثرات هم‌افزای فضائل اخلاقی و ملکات نفسانی در مولد نمودن کنش‌های افراد

نظم‌پذیری عوامل^۱ اقتصادی از طریق آموزش عملی و طی زمان، به عنوان لازمه پذیرش نظم‌پذیری آحاد جامعه

استقرار اقتصاد اسلامی پس از استقرار سیستم باورهای افراد، مبتنی بر اخلاقیات و پرورش انسان‌ها با پس‌زمینه‌ی ذهنی اسلامی در کنش‌ها و به منظور پیاده نمودن الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

۱۱- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش سعی شد با بیان مطالبی در مورد نقش ذهن و پیدایش باورها در شکل‌گیری کنش‌ها و شخصیت انسانی در ساختار پراکسولوژی، ناتوانی اقتصاد نئوکلاسیکی را که دارای فروض مشخصی برای انسان نظیر عقلایی، حداکثرکننده سود و مطلوبیت است و نمی‌تواند جایگاه ارزش‌ها و قوانین و مقررات و مدل‌های ذهنی افراد را در مدل‌های جمعی ببیند، عنوان نماییم. با نگاهی مختصر به اقتصاد نهادی و مکتب اتریش دریافتیم که بستر لازم برای تحقق اهداف اسلامی و الگوی ایرانی برای پیشرفت و توسعه کشور وجود دارد. سپس بررسی نمودیم چنانچه بحثی از ارزش‌ها و اصول انسانی و احکام اسلامی را وارد این مدل‌های ذهنی کنیم، در رفتار و کنش انسان و حتی کنش جمعی او چه تأثیری می‌گذارد؟ آموزه‌های اسلامی و اخلاقی در طول زمان کل رفتار انسان را تغییر می‌دهند که تنها بخشی از آن اقتصادی است. و نقشه‌ای که انسان برای انجام فعالیت‌هایش می‌گیرد نشأت گرفته از همین پراکسولوژی است. با وارد نمودن این ارزش‌ها و کمالات متعالی - که همانا درک فرد از خلیفه‌الله بودنش است - به در مدل‌های ذهنی و باور افراد، ذهن تنها به سود مادی و رانت نمی‌پردازد بلکه به مفاهیمی همچون انسانیت، نوع‌دوستی، عدالت و خدمت به هم‌نوع و آباد ساختن آخرت خویش و رسیدن به حیات طیبه‌ای که خداوند وعده تحقق آن را داده، نیز توجه می‌نماید. با پرورش

¹ Agent

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

چنین مفاهیمی در ذهن و مساعد بودن محیط انگیزشی برای فرد، کنش‌های انسانی در این محیط مولد و توسعه محقق می‌شود ضمن این‌که سعادت و رستگاری فرد در جهان آخرت نیز تأمین می‌شود و در غیر این‌صورت فعالیت‌ها رانته و سودجویانه و ساختار اقتصاد دچار فساد می‌شود. لذا زمانی می‌توان انتظار تحقق اهداف اقتصاد اسلامی را مطابق با آنچه در نظر شهید صدر است، داشت که مدل‌های ذهنی افراد پذیرای چنین تغییری باشد یا به عبارت دیگر افراد بر اساس ارزش‌های اسلامی دارای تربیت اسلامی باشند. چطور می‌توان انتظار داشت فردی که تربیت شده مکتب اسلام نیست، کارکرد خوب و درستی در درون مجموعه قوانین اسلامی از خود نشان دهد و بتواند نقش یک عامل یا کارگزار را در دستیابی به الگویی ایرانی بر مبنای اسلام ایفا نماید؟ تا وقتی چنین افرادی تربیت نکرده‌ایم نباید انتظار مهیا نمودن یک جامعه اسلامی با کارکردهای اسلامی را داشته باشیم و به موازات آن اقتصاد اسلامی هم نمی‌توانیم داشته باشیم.

۱۲- منابع و مأخذ

۱. احمدی، علی محمد (۱۳۸۲)، "ارزیابی دروس اقتصاد اسلامی با تکیه بر دیدگاه مدرسان"، مجموعه مقالات تدریس اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. احمدی، مصطفی (۱۳۷۸)، مسئله توزیع در نظام سرمایه‌داری، کتاب نقد، شماره ۱۱.
۳. پوریزدان‌پرست، محمد هاشم (۱۳۸۳)، "لزوم تحول در آموزه‌های علم اقتصاد"، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
۴. پیغامی، عادل (۱۳۸۹)، "مباحثی در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی"، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵)، اقتصاد پولی و بانکداری، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکداری.
۶. جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر انسان به انسان؛ انتشارات اسراء، قم.
۷. خرماهی، بهاء‌الدین و انصاری، مسعود (۱۳۷۶)، پیام پیامبر، تهران، انتشارات جامی.
۸. دادگر، یدالله (۱۳۸۴)، "اصلاح ابعادی از آموزش اقتصاد ایران به مثابه نزدیک شدن به اقتصاد بومی و دینی"، مجموعه مقالات چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. دهقان، تورج و محنت‌فر، یوسف (۱۳۸۵)، "بررسی مکتب نهادگرایی در سیر اندیشه‌های اقتصادی"، شماره ۵۵ و ۵۶، ص ۴۱-۵۴.
۱۰. سارتن، جرج (۱۳۳۶)، شش بال: مردان علم در رونسانس، ترجمه: حمد آرام، تهران، انتشارات فرانکلین.
۱۱. سوزنچی، حسین (۱۳۸۷)، "ارزش و علم: درآمدی بر علوم انسانی اسلامی"، مجموعه مقالات ارزش و دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) با همکاری پژوهشکده مطالعات
۱۲. صادقی‌تهرانی، علی (۱۳۷۹)، "تحقق تاریخی نظام اقتصاد اسلامی"، فصلنامه علمی- فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پژوهشی دانشگاه امام صادق، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۸۳-۱۹۶.
۱۳. صدیقی، محمد نجات‌الله (۱۳۸۴)، "آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی"، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت.
۱۴. صدر، محمد کاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. عسگری محمد مهدی و میسمی، حسین (۱۳۸۸)، آموزش اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی: مقدمه‌ای بر نحوه توسعه نظام آموزشی اقتصاد اسلامی، راهبرد پاس، ش ۱۸.
۱۶. عیوضلو، حسین (۱۳۸۲)، "بررسی نگرش اساتید مدرس دروس اقتصاد اسلامی به این دروس"، مجموعه مقالات تدریس اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۸)، "ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری متعارف"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۱، مدرس.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷)؛ طریق عرفان: ترجمه و شرح و متن رساله‌الولایه، عیوضلو، حسین (۱۳۸۲)، بررسی نگرش اساتید مدرس دروس اقتصاد اسلامی به این دروس، مجموعه قم، چاپ طه (س)، مقالات تدریس اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳)؛ "خاستگاه اخلاق پژوهش"، آیین میراث، شماره ۲۷، ص ۱۷-۷.
۲۰. قلی‌پور، آرین (۱۳۸۴)؛ نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان)، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. کوهن، توماس (۱۳۶۹)؛ ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه: آرام، آ، تهران، انتشارات سروش، ص ۲۷.
۲۲. گاردنر، هوارد (۱۳۸۸)؛ تغییر ذهن‌ها، هنر و علم تغییر ذهن خود و دیگران، ترجمه: سید کمال خرازی، نشر نی.
۲۳. متوسلی، محمود (۱۳۸۸)؛ "توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی"، تهران، انتشارات سمت.
۲۴. متوسلی، محمود و نجفی، محمدباقر (۱۳۸۸)؛ "ابزارهای تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی از دیدگاه داگلاس نورث"، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و جامعه، سال ۶، شماره ۱۹ و ۲۰.
۲۵. متوسلی، محمود (۱۳۸۹)؛ توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.
۲۶. متوسلی، محمود و نیکونستی، علی (۱۳۸۹)؛ "علوم شناختی و عملکرد اقتصادی"، مجله علمی-پژوهشی تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۱، ۱۷۷-۱۹۹.
۲۷. متوسلی، محمود و مشهدی احمد، محمود و نیکونستی، علی و سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۸۹)؛ "اقتصاد نهادی پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند"، ترجمه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۸. متوسلی، محمود و مشهدی احمد، محمود و نیکونستی، علی و سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۸۹)؛ "تجدید حیات اقتصاد نهادی نگاهی به اندیشه‌های اقتصاددانان نهادی"، ترجمه، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۹. متوسلی، محمود و توحیدلو، سمیه و نیکونستی، علی (۱۳۹۲)؛ "باورها و عملکرد اقتصادی: بررسی تطبیقی آرای نورث و وبر"، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، ۸۱-۹۸.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)؛ انسان و ایمان، قم، انتشارات مهدیه.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)؛ انسان کامل؛ تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)؛ انسان در قرآن، انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)؛ انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا.
۳۴. نادری، الیاس (۱۳۹۲)؛ "اقتصاد شناختی: رویکردی نوین برای تبیین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی"، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، ۹۹-۱۲۵.
۳۵. نورث، داگلاس سی (۱۳۷۷)؛ "نهادها، تغییرات اقتصادی و عملکرد اقتصادی"، ترجمه: محمدرضا معینی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

1. Amin, A. Ajab. E (2008), "Developing a Sustainable Economy in Cameroon", Dakar: CODESRIA.
2. Alchian A, Armen. (1950), "Understanding , evolution and economic theory ". The Journal of Political Economy, Vol. 58.
3. Becker. P, Goldschmidt, N, & Lenger, A.(2013), "Institutional Change and Cultural Roots".
4. Bhatta, S .F. G, A (1997), "Learning Generic Mechanisms for Innovative Strategies in Adaptive Design", The Journal of The Learning Science, 6(4), pp. 367-396.
5. Briggs, P.(1990), "The Role of The User Model In Learning as an Internally and Externally Directed Activity" In D. Ackermann & M. Tauber, eds, ' Mental Models and Human-Computer Interaction 1', Elsevier, Amsterdam, pp. 195-208.
6. Boettke. J. Peter, (2010). "Hadbook on Contemporary Austrian Economic". George Mason University, Vrginiya, USA. Published by Edward elgar Publishing Limited. Pp1- 196.

7. Carden, Art. (2007), "Christian Ethic, Formal Institution, and Economic Growth". American Review of Political Economy, Vol 5, No. 1, pp, 34-53.
8. Commons, J. R.(1992), "Institutions & Economic Theory". American Economic Review, Vol.21, No.1, pp3-6.
9. Commons, J. R.(1931), "Institutional Economics". American Economic Review, Vol.21, No.4, pp 648-657.
10. Commons, J. R.(1931), "Institutional Economics: It's Place in Political Economy", New York, Macmillan.
11. Commons, J. R. (1899), "A Sociological View of Sovereignty: I", American Journal of Sociology, vol. 5, no. 1, p. 115.
12. Hamilton, Walton (1932), "Institutions". In Encyclopedia of the social science. New York: Macmillan. Vol.8 , pp. 84-89.
13. Gardner. Howard, (1999), "Intelligence Reframed. Multiple Intelligences for The 21st Century", new York: Basic Books.
14. Gardner. Howard, (2004), "Changing Mind: The Art and Science of Changing Our Own and Other People's Mind", Harvard Business School Press, Bosoton, Massachusetts.
15. Gardner. Howard, (2005), "Multiple Lenses on The Mind" Harvard Graduate School of Education. Pp. 1-29.
16. Mirdal, G. (1978). "Institutional Economics ". Journal of Economic Issues, Vol. XII, No.4.
17. Kirzner, Israel M,(2008), "Austrian Economics". The New Palgrave Dictionary of Economics, Palgrave Macmillan.
18. Lin and Nugent (1995), "Institution and Economic Development", Handbook of development economics 97(4): pp. 477-494.
19. Mises Von. Ludwig. (1949), "Human Action: A Treatise On Economics", Published by Yale University, pp.1-30..
20. Mises. Von. Ludwig, (1951), "Socialism: New Haven, Connecticut", Yale University Press, p.515.
21. Mitchell, Wesley C. (1910). "The Rationality of Economic Activity II". The Journal of Political Economy, Vol. 18, No. 3, pp. 197-216.
22. North, Douglass C. (1971). "Institution Change and Economic Growth", The Journal of Economic History, Vol.31, No.1, pp. 118-125.
23. North, Douglass C. (1989). "Institutions and Economic Growth: An Historical Introduction". World Development, Vol.17, No.9.
24. North, Douglass C. (1990). "Institutions, Institutional Change and Economic Performance", Cambridge University Press.
25. North, Douglass C. (1991). "Institutions", The Journal of Economic Perspectives, Vol.5, No. 1, pp. 97-122.
26. North, Douglass C. (1994), "Economic Performance Through Time" .The American Economic Review, Vol. 84, No. 3, pp 359-368.
27. North, Douglass C. (1994), "The historical evolution of polities" International Review of Law and Economics, Elsevier, vol. 14(4), pages 381-391, December.
28. North, Douglass C. (1996), "Economics and Cognitive Science," Economic History 9612002, EconWPA.
29. North, Douglass C. (1996a), "Where Have Been and Where Are We Going?" Retrieved from <http://idea.repec.org/p/wpa/wuwpeh/9612001.html>.
30. North, Douglass C. (1996b), "Economic Performance Through Time: The limits to knowledge", Retrieved from <http://idea.repec.org/p/wpa/wuwpeh/9612004.html>.
31. North, Douglass C. (1997). "The Process of Economic Change" .The United Nations University, WIDER. March, 1997. pp 1-27.

32. North, Douglass C. (1999), "Institution Economic", In: Blackwell Companion to Cognitive Science, Blackwell.
33. North, Douglass C. (2000), "The New Institution Economics and Third World Development", Edit by J. Harris, J. Hunter, International Ltd, p. 17-19.
34. North, Douglass C. (2003) "The Role of Institutions in Economic Development," ECE Discussion Papers Series 2003_2, UNECE.
35. North, Douglass C. (2005), "Understanding The Process of Economic Change", Princeton University press, p. 5.
36. North, Douglass C & Denzau. Arthur T, (1993), "Shared Mental Models: Ideologies and Institutions", Kyklos, Vol.47, No. 1, pp. 3-31.
37. North, Douglass C, Mantzavions, C., & Shariq. S, (2004). "Learning, Institution, and Economic Performance, Perspective on Politics", Vol. 2, No. 1, 75-84.
38. North, Douglass C, Wallis, J. J., & Weingast. B. R, (2006), "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History" National Bureau of Economic Research.
39. Ollson, ola (1999), "A micro Analysis of institutions", Working paper in Economics no 15. department of economics Goteborg university.
40. Paarlberg, D. (1993). "The Case for Institution Economic". American Journal of Agricultural Economics, Vol. 25, No. 3.
41. Paul. Ron (2004), "Mises and Austrian Economic: A Personal View", By the Ludwig von Mises Institute, p.21.
42. Platteau, J. P. (1994A). "Behind the Marcket Stage Where Real Societies Exit-Part I: The Role of Public and Private Institution". Journal of Development Studies, Vol. 30, No.3, pp 110-126.
43. Platteau, J. P. (1994A). "Behind the Marcket Stage Where Real Societies Exit-Part II: The Role ofMoral Norms". Journal of Development Studies, Vol. 30, No.4, pp 221-241.
44. Selgin. George, (1990), "Praxeology and Understanding: An Analysis of the Contrvrsy in Austrian Economic", Press of the Ludwing von Mises Institute, Auburn University.p 12.
45. Sen. A, (1998), "Human Development and Financial Conservatism", World Development, p. 734.
46. Sen, A, (1999), "Rational fools: critragne of behavioral Foundation of social theory", philosophy and public attairs b:317, 44
47. Senge, P. M, (1990), "The Fifth Discipline: The Art and Practice of The Learning Organization", Doubleday, London, p8.
48. Schumpeter, J. A, (2005), "development", Journal of Economic Literature, Vol. XLIII, pp.108-120.
49. Tang. Yan. Shui, (1992), "Institution and Collective Action: Self- Governance in Irrigation", Press Institute for Contemporary StudiesSan Francisco, California, pp.37-81.
50. Vandenberg. Paul, (2002), "North's Institutionalism And The Prospect of Combining Theoretical Approaches", Cambridge Journal Of Economics, Vol.26, No2.
51. Veblen, T. B. (1909) " The limitation of Marginal Utility " The Journal of Political Economy, Vol. 17, No.9, pp.620-636.
52. Wagner. E. Richard (2010), "Mind, Society, and Human Action: Time and knowledge in a theory of social economy", Foundations of the Market Economy, pp.24-27.
53. Williamson, oliver (1975), "Market and Hierarchies", Analysis and Antitrust implication:, Newyourk, Free Press.
54. William J. Baumol, Robert E. Litan, Carl J. Schramm, and Robert J. Strom, (2011), "Innovative Entrepreneurship and Policy: Toward Initiation and Preservation of Growth", The Economics of Small Businesses, Contributions to Economics, Springer-Verlag Berlin Heidelberg, pp.1-21.
55. Yeager. Leland (1987), "Why Subjectivism? Review of Austrain Economics" Vol. 1, Issue 1 , pp 5-31.